

تهدیدات امنیتی (نیمه سخت) فراروی استان خوزستان

مهرداد افشون^۱، علی عیدی شیخ رباط^۲

چکیده

در این مقاله ضمن بررسی و ارزیابی چیستی و چگونگی شناخت تهدیدات امنیتی و نیز تشخیص و مقابله با این موضوع و رفع ضعف‌های موجود و فراروی استان و نیز به دنبال تشریح و تبیین نقاط قوت براساس راهکارهای دانش‌بنیان و کاربردی در جهت ارتقا سطح همگرایی درون استان می‌باشیم. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و استفاده از نظرات کارشناسان در هر حوزه و تعامل مؤثر و سازنده با میان مردم و نهادهای اداری و روابط مثبت میان ادارات اعم از درون استانی و کشوری در جهت رفع معضلات با تعیین اهداف عالی از پیش تعیین شده استانی در جهت حفظ و استمرار امنیت پایدار در تمامی سطوح و زمینه‌های آن نقش بسزایی داشته و موجب پیشرفت و توسعه پایدار در جامعه خواهد گردید. همچنین باید به این نکته نیز توجه نمود که مهم‌ترین راهبرد اجتماعی و فرهنگی امنیت پایدار چیست و امنیت‌پایداری که امروز به مفهومی میان رشته‌ای تبدیل شده، بدون در نظر داشتن راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بدست می‌آید و یا باید نقش محور مردم با دقت بیشتر متکی بر فرهنگ بومی و ساختارهای قومیتی آن‌ها و نیز ساختار کلی نظام اسلامی حاکم و ریشه‌دار را مرکز ظرفیت‌سازی قرار داد..

واژگان کلیدی: تهدیدات امنیتی، استان خوزستان، امنیت پایدار، جمهوری اسلامی ایران

^۱ - عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

^۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران واحد تهران جنوب

مقدمه

کشورهای دارای رویکرد آرمانی و رسالت راهبردی برای بقا و مقابله با تهدیدهای متصور علیه خویش، نیازمند برخورداری از ظرفیت‌های مناسب بازدارندگی و استفاده از ابزارهایی مناسب و مؤثر برای مواجهه با ناپایداری‌های امنیتی هستند. بنابراین، کشوری مانند ایران که معتقد به الحاق به قدرت‌های بزرگ برای تأمین امنیت خود نیست و امکان شکل‌دهی به ائتلافی منطقه‌ای برای ثبات امنیتی را ندارد، نیازمند تکیه بر ظرفیت‌های ملی و توانمندی‌های مردمی است. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند توانایی لازم را برای خود به وجود آورد و ساختارهای اجتماعی، هنجاری و اعتقادی خود را با واقعیت‌های محیطی سازگار و هماهنگ کند.

همانگونه که ضرورت ایجاد نظام سیاسی مطلوب برای تحقق اهداف حکومت اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است، سازماندهی تدابیری برای حفظ امنیت پایدار این نظام نیز از ضرورت‌های حوزه اقتدار ملی است. طبیعی است هر نوع نگاه ویژه به نقاط دارای توانمندی مناسب در سطح کشور اعم از ظرفیت‌های جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره که خوزستان جز استان‌های مستعد در این حوزه‌ها می‌باشد می‌تواند در صورت عدم بهره‌گیری مقتضی کشور را دچار چالش‌ها اساسی نماید کما اینکه در سال‌های نه چندان دور شاهد برخی سوء تعابیر در زمینه جدایی طلبی و یا فرقه‌گرایی بودیم. شایان ذکر است که اهمال در کوچک‌ترین نکته گاه به غیر از ممانعت از زمینه پیشرفت کشور موجبات تزلزل در ارکان امنیت جامعه و کشور را در پی خواهد داشت.

مفهوم امنیت و سیر تحول آن

امنیت و استمرار آن به عنوان هدف و وسیله، از جمله آرزوها و خواسته‌های اصلی آحاد جوامع بشری است (لاو^۱، ۱۹۹۴: ۹۴-۱۰۰). عرصه امنیت حوزه‌ای بسیار مهم، پیچیده، بغرنج و حساس است. گستره این مفهوم، عرصه تصمیم‌سازی و کنش و واکنش‌های حرفه‌ای است. هر پدیده امنیتی با (فرصت‌ها) و (تهدیدهایی) بالقوه قرین است. در چنین زمینه‌ای، بازیگران همه در پی کسب (خیر) و دفع (ضرر) هستند. مقولات و موضوعات امنیتی اموری پیچیده،

تودرتو و چند چهره هستند و نمی‌توان برای آنان هویتی شفاف ترسیم کرد. در پهنه مسائل امنیتی نمی‌توان انتظار نتیجه‌ای مشخص داشت و حتی نمی‌توان به بازی بدون خطا و بدون هزینه اندیشید و می‌بایست برای ایفای نقش خود از پیش‌بینی دقیق وقایع و اقدامات پرهیز نمود (تاجیک، ۱۳۸۰: ۲۰). امنیت نبود تهدید روانی و مادی برای فرد، جامعه و کشور است که بسته به موضوع یا جایگاه کاربرد آن، دسته‌بندی‌هایی گوناگون دارد. در فرهنگ سیاسی، مهم‌ترین عنصری که برای امنیت در نظر می‌گیرند فقدان تهدید است. از آنجا که دستیابی به فقدان تام تهدید تقریباً غیرممکن است، به (حداقل رساندن تهدید) حد معقول آن در نظر گرفته می‌شود.

امنیت ملی متغیری وابسته است که تکوین و قوام‌یابی آن در کشورهای گوناگون تابع تحقق متغیرهایی مختلف است. بعضی از این متغیرها مثل ارتش، نیروهای انتظامی و امنیتی، ثبات سیاسی و اقتصادی تقریباً در تمام جوامع به نسبت‌های متفاوت مورد نیازند، اما برخی دیگر مثل اعتبار و مرجعیت بین‌المللی صرفاً برای بعضی دولت‌ها اهمیت و ضرورت دارند. معمولاً در راهبرد امنیت ملی هر دولتی تصریح می‌شود که تهدیدهای امنیت ملی آن دولت چیست و برای مقابله با آنها باید از چه ابزارهایی استفاده کرد و چه روش‌هایی به کار گرفت. تاکنون دو دوره مهم در تغییر و تحول مفهوم امنیت رخ داده‌است. در دوران جنگ سرد که مقوله امنیت تنها در چارچوب قدرت و توانمندی‌های نظامی سیر می‌کرد. و در نظام دو قطبی که امنیت مترادف با امور نظامی شامل دفاع ملی و روابط خارجی و بین‌المللی بود. لیکن در شرایط موجود مزیت نظامی و دفاعی ملت‌ها و دولت‌های و نیز چگونگی وضعیت روابط خارجی مطلوب یا چشم‌انداز دفاعی قادر به مقاومت در برابر اقدام خصمانه یا مخرب آشکار یا مخفیانه داخلی یا خارجی نبوده و وضعیت امنیت هر کشور را تضمین نمی‌نماید. پس ضرورت چاره‌اندیشی و برنامه‌ریزی متناسب با ساختارهای فکری و ظرفیت‌های بالقوه هر جامعه را باید در نظر داشت.

یکی از پیش شرط‌های تحقق چنین هدفی در اوضاع دائماً در حال تغییر نظام بین‌الملل کنونی و نیز تحولات کشورهای خاورمیانه بر اثر بیداری اسلامی، نیل به وضعیت امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران است. داشتن جامعه‌ای امن، اثبات، توسعه یافته و الهام‌بخش از تعالیم اسلام و قانون اساسی و اتحاد و انسجام ملی بدون تأمین امنیت پایدار در برابر تهدیدهای متصور، امکان نیل به اهداف عالی و کلان را تقریباً غیرممکن می‌سازد. افزایش تهدیدهای

بین‌المللی آمریکا و اسرائیل علیه ایران از ضرورت‌های تلاش برای رسیدن به امنیت پایدار در کشور است. ایفای نقش جایگاه اول منطقه‌ای صرفاً در شرایطی امکان‌پذیر است که ایران اقدامات لازم را برای ایجاد تعادل، ثبات و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داخلی و خارجی لازم را انجام دهد و امنیت پایدار را در کشور برقرار نماید.

امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران

سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین و عالی‌ترین سند بالادستی و به منزله راهنما و سندی فرابخش برای تأمین امنیت پایدار در کشور می‌باشد که مبتنی بر تهیه برنامه‌های پنج ساله کشور و بودجه سالیانه دولت است. این سند تعیین‌کننده محورهای پیشرفت ایران و راهبرد امنیتی و سیاست خارجی کشور برای رسیدن به جایگاه اول منطقه‌ای در سال ۱۴۰۴ است.

اغلب نظریه پردازان امنیت بر ضرورت برنامه‌ریزی دولت‌ها برای نیل به امنیت پایدار از طریق تقویت بکارگیری توان و ظرفیت‌های سیستم برای مقابله با هر نوع تهدید امنیتی تأکید داشته و بر این نکته اذعان دارند که می‌بایست از کلیه موجودیت و امکانات درون سیستم اعم از اقتصادی فرهنگی اجتماعی سیاسی بهره لازم را برد. مهم‌ترین هدف جمهوری اسلامی ایران در دهه چهارم پیروزی انقلاب اسلامی نیل به (پیشرفت توأم با عدالت) است. براساس سند چشم‌انداز بیست ساله که در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده، ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل است. در حقیقت دستیابی به جایگاه اول منطقه‌ای مستلزم وجود امنیتی پایدار سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل در کشور و اطمینان از خنثی شدن تهدیدهای بین‌المللی علیه ایران است. در ارتباط با توازن قدرت بین بازیگران بین‌المللی منطقه‌ای در خاورمیانه، ایران باید نقشی مهم در امنیت خلیج فارس ایفا کند تا از جایگاه اول منطقه‌ای برخوردار شود. هم‌اکنون هشت سال از ابلاغ سند چشم‌انداز می‌گذرد و طبیعتاً باید بخشی از اهداف این سند تحقق یافته باشد و ایران در مقایسه با ۲۷ کشور آسیای جنوب غربی از جمله ترکیه و عربستان پیشرفت بالاتری داشته باشد. اقدامات خصمانه آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی و تلاش‌های رژیم صهیونیستی نشان می‌دهد که همچنان درصددند محیط امنیتی ایران را با عدم قطعیت و بی‌اطمینانی مواجه کنند و عوامل بی‌ثبات‌کننده در حوزه امنیت پایدار ایران را افزایش دهند. واقع‌گرایان معتقدند اگر کشوری

تواند حوزه اقتدار خود را در محیط‌های متنوع امنیتی گسترش دهد، طبیعتاً با مخاطرات زیادی روبه‌رو خواهد شد. بقای سیاسی و راهبردی کشورها در شرایطی حاصل می‌شود که دولت‌ها علاوه بر اتکا به تعاملات بین‌المللی، بر توانمندی‌های داخلی در قالب خودیاری ملی تکیه‌زنند و زمینه‌های ارتقا ظرفیت‌های امنیت پایدار را در حوزه‌های دفاعی و اقتصادی به وجود آورند.

برهمن اساس ایجاد و تأمین امنیت پایدار از اصلی‌ترین دغدغه‌های کشورها و از جمله مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در سیاست بین‌الملل و بسترساز پیشرفت و توسعه همه‌جانبه جامعه می‌باشد. امنیت در عصر جهانی شامل (هنجارها)، (رژیم‌های بین‌المللی) می‌باشد که آن را باید در تعامل و تقابل با موضوعاتی چون (سازمان‌های غیردولتی) و (بازیگران بین‌المللی)، (وابستگی متقابل)، (توسعه) تفسیر و دنبال نمود. در عصر جهانی شدن، محیط امنیت بین‌المللی در مقایسه با دوران نظام دوقطبی و جنگ سرد بسیار پیچیده‌تر است. با از بین رفتن تهدید جنگ جهانی برای ابرقدرت‌ها، منازعات و درگیری‌های داخلی کشورها جایگزین آن شده‌است، به نحوی که این موضوع ثبات و امنیت داخلی و منطقه‌ای را ضعیف می‌کند. چالش اصلی امروزه نظام بین‌الملل علاوه بر افزایش تروریسم، افزایش تعداد کشورهای ضعیف یا حتی ورشکسته مثل سومالی، افغانستان و پاکستان است که قادر به مهار تحولات داخلی در قلمرو خود نیستند. از این‌رو، دولت‌ها خود در عصر جهانی شدن به عنوان عامل ضد امنیت برای قدرت‌های بزرگ مطرح می‌شوند. اینکه در دنیای فعلی امنیت بیش از هر زمان دیگری مبهم، نارسا و متناقض است، بدون شک به بی‌نظمی‌های روندهای جهانی شدن باز می‌گردد.

البته برای کشورهای مستقلی مثل ایران، مسئله امنیت از نگاه مداخله قدرت‌های بزرگ در امور داخلی سایر کشورها نگرسته می‌شود و مهم‌ترین عامل ناامنی منطقه‌ای قدرت‌هایی چون آمریکا و اسرائیل هستند که برای امنیت خود، امنیت سایر ملت‌ها و دولت‌ها را نادیده می‌گیرند و یا به خطر می‌اندازند.

یکی از سؤال‌های بنیادین که ممکن است در مورد امنیت مطرح شود این است که در صورت تعارض ارزش‌های امنیتی یادشده، به چه نحوی باید عمل کرد؟ برای مثال، امروز معمولاً از اقتصاد روبه رشد یا دستکم ثبات اقتصاد ملی به عنوان پیشینیه‌های اساسی امنیت ملی یاد می‌شود. اما پیگیری این اهداف ممکن است با برخی ارزش‌های امنیتی دیگر مثل سلامت و

محیط زیست در تعارض باشد. دولت چین به منظور حفاظت از رشد و ثبات اقتصاد ملی به سیاست‌هایی مثل ارزش‌گذاری بالای نرخ ارز روی آورده که بعضاً به مشاجره دیپلماتیک با ایالات متحده انجامیده است. این موضوع از یک سو، اهمیت نقش رشد و ثبات اقتصاد ملی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، به امکان تعارض آن با ارزش‌های امنیتی دیگر اشاره دارد. از این رو، تدوین پروژه منسجم امنیت ملی مستلزم رعایت مسائلی مختلف و پیچیده است. بنابراین، سطح امنیت در دو بعد داخلی و خارجی و محیط امنیت شامل امنیت نظامی، اقتصادی، سیاسی و سایبری است که با توجه به محیط تهدیدها مثل تهدیدهای مربوط به احتمال ضربه نظامی آمریکا و اسرائیل، تروریسم و تهدیدهای سایبری باید مورد توجه قرارگیرند به هر حال، امنیت امری نسبی و پدیده‌ای ذهنی است که گستره و حریم و قلمرو آن به خوبی مشخص نیست و به دیدگاه رهبران و سیاست‌گذاران یک جامعه بستگی دارد (جان درافت^۱، ۲۰۱۰: ۴-۲۵).

امنیت در دولت اسلامی

نظر به اینکه ساختار حکومت و نگرش اغلب فکری جامعه براساس مبانی و تفکر اسلامی تدوین شده است، مفهوم امنیت را نیز می‌بایست با نگاه دینی متناسب با شعائر مذهب شیعی مورد تجزیه و تحلیل خود قرار دهیم. همان‌گونه که از دیدگاه اسلام و در قرآن کریم آیات زیادی را مشاهده می‌نماییم که به اهمیت موضوع امنیت و جایگاه رفیع آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان اختصاص یافته است. در احادیث نقل شده از پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام در این باره سخن فراوان گفته شده است.

از جمله پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: نعمتان مجهولتان الصحه و الامان (روضه الواعظین: ۴۷۲) به این معنی که امنیت و سلامتی قدرشان نامعلوم است. همچنین امام صادق (ع) می‌فرمایند: سه چیز است که همه مردم به آن‌ها نیاز دارند: امنیت، عدالت و آسایش. حال در اینجا برای روشن تر شدن مفهوم امنیت در اسلام به چند نمونه از تعبیر قرآنی اشاره می‌گردد.

۱. ایمان و امنیت

در قرآن و نصوص اسلامی کلمه ایمان به معنی باور است که در بسیاری آیات قرآن به همراه عمل صالح ذکر شده است و برای انسان‌ها امنیت به ارمغان می‌آورد. در آیات زیادی از قرآن والاترین انسان‌ها با (یا ایها الذین آمنوا) مورد خطاب قرار گرفته‌اند و این واژه مقدس‌ترین سرمایه انسانی است. مفسرین کلمه (آمن) را به دو معنی تفسیر کرده‌اند: نخست، به معنی کسانی که خود را به مقام امن رسانده‌اند. دوم، کسانی که دارای امنیت‌اند و از ایمنی برخوردار شده‌اند (زنجانی، ۱۳۹۳: ۳۸۳).

۲. شهر امن

در قرآن شهری که برخوردار از امنیت است به عنوان الگو و نمونه و سرزمین مطلوب (و) ضرب الله مثلاً قریه کانت امنه مطمئنه یأتیها رزقها رغداً من کل مکان فکفرت بانعم الله فاذقها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا یصنعون. سوره نحل آیه ۱۱۲). خداوند شهری را مثل زده است که امن و آرام بود و رزقش به وفور از هر طرف به آن می‌رسید، اما کفران نعمت خدا کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند گرسنگی و هراس را به آنان چشاند. در این آیه جوع و خوف نتیجه اعمال انسان‌ها و کفران نعمت‌های الهی است و با از بین رفتن امنیت به وجود می‌آید. یکی از مصادیق مهم واژه‌هایی مانند برکات، نعیم و نعمت در قرآن امنیت دانسته شده است. برای نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه ۹۶ سوره اعراف: و اگر مردم شهرها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می‌گشودیم ولی آن‌ها تکذیب کردند پس ما نیز ایشان را به سزای آنچه می‌کردند گرفتار ساختیم و در نهایت به این معنا اشاره می‌کند و می‌نویسد: برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان ج ۸، ص ۲۵۲).

۳. امنیت مردم در خانه خدا

مسجد الحرام و کعبه مقدس‌ترین مکان از دیدگاه قرآن مجید است. در آیات الهی از این مکان به محل امن یاد می‌شود و می‌فرماید: و آن‌گاه که کعبه را محل اجتماع و جایگاه امن مردم قرار دادیم و گفتیم مقام ابراهیم را محل نماز قرار دهید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم

که خانه مرا برای کسانی که برای طواف و اعتکاف و نماز می آیند پاکیزه کنید(سوره بقره آیه ۱۲۵).

همچنین در آیه بعد مهم ترین خواسته ابراهیم از خداوند امنیت شهر مکه است و می فرماید: و آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، این مکان را شهر امنی قرار بده و مردمش را که به خدا و روز واپسین ایمان دارند از نعمت های فراوان روزی رسان همچنین خداوند امنیت را به کسانی که به این مکان وارد شوند ارزانی داشته است و می فرماید: همانا نخستین خانه ای که برای مردم بنا شد همان است که در مکه است و مایه برکت و هدایت جهانیان است. در آن نشانه های روشنی از جمله مقام ابراهیم است و هر که وارد آن شود ایمن است(سوره آل عمران آیه ۹۶). بنابراین، مهم ترین ویژگی برترین مکان روی زمین، امنیت و رزق ساکنان آن است.

بنابر تصریح قرآن مجید، وقتی انسان های صالح روز قیامت گام در بهشت می گذارند به آن ها بشارت امنیت داده می شود. به آن ها گویند به سلامت و ایمنی داخل آن شوید و هر کینه ای را از سینه آن ها برکنیم که برادروار بر تخت ها روبه روی هم قرار گیرند(سوره حجر آیات ۴۵ الی ۴۷).

۴ . احساس امنیت

احساس امنیت و آرامش حالتی است که قرآن آن را چون امدادی الهی شامل حال کسانی می کند که در زمره مجاهدان در راهش باشند. سپس از پی آن غم، آرامش و امنیتی بر شما نازل کرد و خوابی که جمعی از شما را فراگرفت(سوره آل عمران آیه ۱۵۴). از دیدگاه قرآن، امنیت بزرگ ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل به اهل حق اعطا می شود. قرآن در این باره می فرماید: پس کدام یک از ما دو گروه به ایمنی سزاوارتر است اگر می دانید؟ کسانی که ایمان آوردند و ایمان خویش را به ستم نیالودند امنیت برای آن هاست و هم ایشان هدایت یافتگان هستند(سوره انعام آیات ۸۱ و ۸۲).

۵ . اسلام و امنیت

اسلام برگرفته از سلم به مفهوم امنیت است و سلام که شعار اسلام است، به مفهوم در امان بودن سایر بندگان خدا از ناحیه فردی مسلمان است. به تعبیر بسیاری از مفسرین، از جمله

علامه طباطبایی، سلام دادن در حقیقت اعلام امنیت از تعدی و ظلم از ناحیه فرد سلام‌دهنده به گیرنده سلام است. شخص سلام‌دهنده به مخاطب سلام اعلام می‌کند که تو از سوی من در امانی و هیچ‌گونه ظلمی و تجاوزی از من نسبت به خودت نخواهی دید و آزادی فطری که خداوند به تو مرحمت کرده است از طرف من صدمه نخواهد دید. در این باره می‌توان به آیاتی مانند آیه ۵۴ سوره انعام اشاره کرد: و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند پیش تو آیند، بگو سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر داشته است در واقع، امنیت بدان علت به این اسم نامیده شده که مایه آرامش خاطر انسان‌هاست و در آن نوعی اطمینان از تعرض وجود دارد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۷-۱۵۹).

اصل در اسلام بر صلح و امنیت بین مردمان و عدم خیانت در امانت است. با توجه به مطالب فوق مشخص می‌شود که امنیت از دیدگاه اسلام مفهومی روشن، چند لایه و محوری دارد که کاربردهای فردی و جمعی، حکومتی و اجتماعی، سلبی و ایجابی و در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطاتی دارد. به همین دلیل در اسلام (نظریه امنیت) نیازمند مطالعه و بررسی‌های زیادی است. تا در نهایت بتوان تصویری نسبتاً جامع از امنیت ارائه داد.

امنیت پایدار

امنیت مفهومی ذهنی، نسبی و مقول‌های چندوجهی است که رابط‌های متقابل و دوسویه با (توسعه پایدار) و (پیشرفت) دارد. طرح مفهوم امنیت پایدار متضمن مفهومی نو مباحث امنیتی است (عباس زاده: ۳۲). پایداری مفهومی تازه است که به‌ویژه در روند تحولات جهانی در سه دهه گذشته و بر اثر بیم‌ها و امیدهای نو طرح و گسترش یافته و با اقبال روبه‌رو شده است. امنیت پایدار مستلزم توجه به تمام وجوه امنیت است. به سبب ظرفیت‌های گردآمده در امنیت پایدار با وجود پیشینه کوتاه آن، این مفهوم در پهنه‌های گوناگون به‌ویژه در موضوع، (توسعه) در سطح جهان و در محافل گوناگون بسیار مورد توجه قرار گرفته است. پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند (امنیت پایدار) ناظر بر یک جامع است که بر پایه آن، به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می‌شود (حسین نصیری، ۱۳۸۲: ۱۶-۳۰).

در تحولات مفهومی امنیت، در دوران نظام دوقطبی بر تعیین عنصر «تهدید» در نیل به امنیت توجه می‌شد، اما هم‌اکنون علاوه بر آن، بر تعیین عنصر «فرصت» هم تأکید می‌شود. مفهوم نوین امنیت از یک‌سو، دلالت بر تنوع ابعاد امنیت و تغییر قاعده بازی دارد و از

سوی دیگر، بر بهره‌گیری از فرصت‌ها تأکید می‌ورزد، امنیت هنگامی تأمین می‌شود که جامعه به موازات وجوه بازدارندگی امنیت، به وجوه مثبت امنیت ملی و جنبه‌های ایجابی آن دست یابد و زمینه‌های لازم برای تحقق اهداف و خواسته‌های منافع ملی فراهم شود (رانگ^۱، ۱۹۹۴: ۲۰۲-۲۰۴).

براین اساس هر جامعه‌ای باید به موازات مواجهه فعالانه با هرگونه تهدید داخلی و خارجی از قابلیت‌های ویژه برای بهره‌گیری از (فرصت‌ها) در جهت افزایش منافع ملی برخوردار باشد. سیر تحولات مفهومی امنیت از اتکا بر یک بعد از امنیت به سمت تأکید بر (ابعاد ترکیبی) از آن تغییر یافته است.

محصول ترکیبی مذکور، در ادبیات سیاسی جهان معاصر (امنیت پایدار) نامیده می‌شود. امنیت پایدار مقدمه واجب پیشرفت و توسعه پایدار است (کلاس^۲، ۲۰۰۰: ۲۵-۳۰).

مقوله‌های امنیت پایدار دارای دو مؤلفه امنیت داخلی و امنیت خارجی یا بین‌المللی است. در واقع، امنیت پایدار تنها با اشراف بر مؤلفه‌های قدرت ملی و در قبال پدیدارهای داخل هر جامعه محقق نمی‌شود، بلکه یک بعد مهم امنیت ناظر بر امنیت در روابط خارجی است. به هر حال، رسیدن به امنیت پایدار مستلزم پاسخ به این سؤال است که تهدید از چه ناحیه‌ای و از کجاست و فرصت‌های نهفته در دل آن چیست؟ بدین منظور برای نیل به امنیت پایدار باید مؤلفه‌های تولیدکننده ناامنی را مورد بررسی قرارداد که در اینجا به آن‌ها اشاره می‌شود.

امنیت یکی از نیازهای اولیه، بنیادین و فطری انسان است. انسان موجودی با ابعاد و خواست‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی است و به همین دلیل در پی امنیت در سطوح مختلف جهت دستیابی به امنیت پایدار، فراگیر و مطمئن می‌باشد و تا بتواند در سایه آن به حیات اجتماعی تعالی جویانه و کمال خواهانه خود برسد. امنیت از یک سو، تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی انسان را دربرگرفته و در سطوح روانی، فرهنگی و اخلاقی و نیز رفتارهای اجتماعی انسان قابل مشاهده و مطالعه است و از سوی دیگر، بر حوزه‌های فردی و اجتماعی تأثیرگذار است. امنیت مفهومی چند وجهی است. همچنین امنیت پدیده‌ای ادراکی و احساسی است. در واقع، باید در ذهن مردم و تصمیم‌گیران این اطمینان به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه، امنیت لازم است. مفهوم امنیت به دلیل ذهنی و نسبی بودن و

۱- Wrong

۱- Klaus

عدم امکان تعریف مطلق آن، ابهام‌های فراوان دارد و تعاریف از آن گوناگون است. ضرورت و اهمیت این بحث از دو جهت نظری و عملی و جامعه شناختی است. به لحاظ نظری که حاصل ادبیات تولید شده در زمینه امنیت پایدار است، دست کم سه نکته مطرح است:

اول، امنیت پایدار پیش‌نیاز هرگونه توسعه پایدار و همه‌جانبه است.

دوم، تحقق امنیت پایدار در گرو شناخت و اتخاذ راهبردهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر است، زیرا تجربه امنیت جهانی پس از جنگ جهانی دوم تاکنون نشان می‌دهد که امنیت پایدار در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی که برآمده از مؤلفه‌های قدرت سخت یا نیمه سخت باشد، ناپایدار است.

سوم، صورت بندی کمی و کیفی یک یا چند راهبرد اساسی فرهنگی و اجتماعی به منظور تحقق امنیت پایدار در برنامه‌ریزی‌های ملی مستلزم شناخت درست مؤلفه‌های مؤثر و کارای فرهنگی و اجتماعی فعال در محیط داخلی و خارجی است که این امر نیازمند به بحث گذاشتن این موضوع و کندوکاوهای نظری درباره آن میان صاحب نظران است.

به لحاظ جامعه شناختی و در میدان عمل اجتماعی و فضا‌های اجتماعی، چالش اصلی در فقدان یا ضعف شکل‌گیری امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی منفی تولید می‌کند، لذا مسائل و مشکلات حادی در روابط اجتماعی پیدا می‌شود. برخی از این مشکلات و آسیب‌ها عبارت‌اند از: احساس ناامنی ذهنی و اجتماعی، احساس بی‌اعتمادی (در سطح فردی، اجتماعی، نهادی و سیاسی)، کاهش سطح مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، افزایش روحیه قانون‌گریزی، احساس نوعی آنومی و بی‌هنجاری اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی و در نهایت احساس بی‌عدالتی.

مفهوم امنیت

ابتدا مروری کوتاه بر معانی امنیت می‌شود. ایمن شدن و در امان ماندن و بدون بیم و هراس بودن، اطمینان و آرامش خاطر، فارغ بودن از بیم تهدید به جان و مال و شرف و آبرو، ایمنی، ایمنی و آسودگی، وجود اطمینان به سلامت تن و جان، مال ناموس، مصون بودن و حالت فراغت عموم افراد جامعه از تهدیدها یا اقدامات خلاف قانون شخص از سوی شخص گروه و دولت (فرهنگ عمید، ۱۳۷۲).

قرآن کریم، واژه امنیت را از مصدر امن، امانت و امان می‌داند و آن را طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفت ترس و خوف معنا کرده است و آن را بر حالت و وضعی اطلاق می‌کند که

انسان در آرامش باشد. گاه بر چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر در معنای حالت آن امانتدار و امین است. آشوری امنیت را معادل لاتین Security فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید آورده است. وی امنیت را اصطلاحی سیاسی و حقوقی می‌داند که شامل امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی است (آشوری، ۱۳۷۸).

بوزان آن را در معنای محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید آورده است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲). اما برداشت‌ها و درک‌های متفاوتی از مفهوم امنیت وجود دارد. مفهوم امنیت در دل خود نوعی پیچیدگی دارد و در پیشینه تاریخی خود با نوعی تحول معنایی جدال‌انگیز روبه‌رو بوده است. مبهم و غیرقابل تعریف بودن، تعیین وضعیت ناامنی با وضعیت امن و نیز جنبه‌های ذهنی و نسبی بودن امنیت از دلایل این پیچیدگی است. تغییر مفهوم سنتی امنیت به برداشت‌های جدید و همچنین تأکید بر ابعاد داخلی و نگرش غیرنظامی به امنیت و تغییر رویکرد در مبنای قدرت ملی از نگاه‌های سخت‌افزاری به نگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله دلایل تحول معنایی است. حال اگر در جامعه اطلاعاتی و شبکه‌ای امروز که به کمک فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی به سرعت و در گستره‌های ملی و جهانی روبه‌رشد و در حال تغییرند صفت پایدار بر آن افزوده شود، پیچیدگی مفهومی امنیت بیش از پیش مشخص می‌گردد.

تعاریف و برداشت‌های دیرینه شناسه این مفهوم بیش‌تر بر حفظ جان، صیانت نفس و امنیت اموال و دارایی تأکید دارد. اما در تعاریف معاصر، امنیت به مقوله‌ای چندوجهی تبدیل شده است و عرصه‌های مختلف حیات بشری را دربرمی‌گیرد. عرصه‌هایی مانند آزادی، مشارکت سیاسی (از حوزه امنیت سیاسی)، تأمین اشتغال، مسکن، رفع فقر، رفاه و حفظ حقوق افراد در محاکمه قضایی، امنیت سرمایه‌گذاری و (از حوزه امنیت اقتصادی و حقوقی)، بهره‌گیری از اوقات فراغت (از حوزه امنیت اجتماعی)، حفظ حریم خصوصی و فردی، آرا و اندیشه‌های شخصی و (از حوزه امنیت فردی)، آرامش خاطر، رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی و روانی و (از حوزه امنیت روانی) بوزان برای امنیت دو وجه عینی و ذهنی بیان کرده است امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مذکور مورد حمله قرار گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۲). برخی امنیت را نه تعریف کردنی بلکه ادراکی و احساسی می‌دانند. در دهه ۱۹۹۰ امنیت در رشته روابط

بین‌الملل تدریس و از حیثه اختصاصی دولت خارج شد. همچنین طی دو دهه اخیر این مفهوم با جامعه شناسی، سیاست‌گذاری اجتماعی، بررسی‌های راهبردی و مدیریت بحران پیوند خورد. در همین سال‌ها موضوع کانونی دولت از محدودیت و مرجعیت امنیت خارج شد و به جای آن جامعه و شهروندان قرار گرفت. امنیت در زندگی روزمره مردم در هر سطحی که تصور شود (فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و...) مفهومی به هم پیوسته و کلیت واحدی است که ابتدا باید در نگرش‌ها، ایستارها و رفتارهای مردم نهادینه شود، مردم آن را درک کنند، بپذیرند و سپس براساس آن عمل کنند و تعاملات اجتماعی و کنش‌های فردی، میان فردی و نهادی خود را بر مبنای امنیت و آرامش قرار دهند.

پیشینه و ادبیات نظری تولیدشده در خصوص امنیت اجتماعی و امنیت پایدار

تاکنون پژوهشگران و اندیشمندان از حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و سیاسی از امنیت، امنیت اجتماعی و امنیت پایدار تعاریف و برداشت‌هایی گوناگون ارائه کرده‌اند. آنان هر کدام زوایایی از این مفهوم را برجسته و برآن تأکید کرده‌اند. واژه‌های در فارسی *security* و *social security* و *community security* و *societal security* به تأمین *social security* به امنیت اجتماعی ترجمه شده‌است. در برخی متون امنیت اجتماعی عبارت‌است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، ملی، جنس و... در حفظ هستی و هویت خود اجتماعی هم ترجمه شده‌است (بوزان، ۱۹۸۸).

گاه امنیت اجتماعی را برآمده از احساس جمعی بسط یافته و نهادینه شده مردم می‌باشد که حیات اجتماعی آنان را بیمه می‌کند. برخی دیگر آن را معنای وسیع‌تری مانند حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی، عدالت و محیط سالم به کار برده‌اند. معنای سلبی امنیت اجتماعی مانند تهدیدها، خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی متمرکز شده‌است. در تعریف امنیت اجتماعی بر چگونگی تولید و بازتولید جامعه از منافع و هویت خویش تأکید دارد (مک سوئینی، ۱۹۹۹). تعریف امنیت اجتماعی بر جنبه هویت فرهنگی جامعه بیش از حاکمیت دولت‌ها در اثر خود امنیت اجتماعی را مربوط تأکید دارد (بیل جین، ۲۰۰۳).

طرح آکادمیک امنیت پایدار ابتدا در سال ۱۹۹۳ در مکتب کپنهاگ طرح شد. اما طرح موضوع خاستگاه سیاسی داشت و بیش‌تر بار امنیت ملی را بردوش می‌کشید. دو عنصر دولت‌نگری به

امنیت اجتماعی و تهدید محوری از پیش فرض های اصلی این دیدگاه بود، در حالی که نگاه جامعه شناسان به مقوله امنیت اجتماعی متفاوت است (پور هاشمی، ۱۳۸۲). معمولا احساس امنیت را از خود امنیت مهم تر می داند، زیرا احساس امنیت، درکی روان شناختی است که بر پایه مشاهدات اجتماعی فرد ساخته می شود. این بازتولید روانی اجتماعی می تواند امنیت واقعی و عینی احساس موجود را برای افراد جامعه بیش تر یا کمتر نشان دهد. به همین دلیل با اهمیت تر است. افتخاری نقش سرمایه اجتماعی و نهادهای امنیتی را در تولید امنیت اجتماعی مؤثر می داند. وی سرمایه اجتماعی را ناظر بر منابع موجود در تعاملات اجتماعی کنشگران اجتماعی می داند و برای آن نه شاخص بیان می کند:

۱. وفاداری ۲. اعتماد ۳. اتصالات شبکه ای ۴. اقتدار فردی ۵. هویت ۶. سازمانی ۷. عمل متقابل ۸. هنجارهای اجتماعی ۹. اعتبار (افتخاری، به نقل از سایت www.aftab.ir ۱۲/۱۰/۹۰).

همچنین به اعتقاد وی، دولت برای افزایش سرمایه، اجتماعی باید به پنج اقدام اساسی دست بزند:

۱. افزایش کارآمدی ۲. کاهش فساد ۳. رفع تعارضات ساختاری ۴. مشارکت جویی ۵. قدردانی از نیروهای مولد تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی.

اما در ارتباط با توانمندسازی نهادهای مدنی وی پنج توصیه دارد: آگاهی بخشی، امیدبخشی، جلوگیری از تنش، اصلاح گری و هدف بخشی.

مؤلفه های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره) نیز به صورت مشخص مورد تاکید ایشان قرار گرفته است که آن ها شامل عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و مسکن، مبارزه با مفاسد و انحرافات اجتماعی، نظارت عمومی و امر به معروف و نهی از منکر می داند. عبدالمحمدی در شاخص های مهم ترکیبی اقتصادی و اجتماعی عبارتند از:

اول، سطح زندگی مناسب و شایسته

دوم، عدالت در توزیع امکانات زندگی

سوم، ثبات، پایداری

رومینا، در اثر خود آرامش و اعتماد عمومی را به نام تحول در مفهوم امنیت عوامل مؤثر بر تغییر مفهوم امنیت از نگاه سنتی به جدید را در دو گروه دسته بندی کرده است.

گروه اول شامل تحولات قرن بیستم مانند جهانی شدن، گستردگی مبادلات فرهنگی، اقتصادی و فکری و ظهور جامعه جهانی است.

گروه دوم شامل متغیرهای اقتصادی (غناى اقتصادى، مبادلات اقتصادى، تأمین نیازهای اقتصادى و رفاه عموم مردم)، متغیرهای سیاسى (حاکمیت سیستم مقتدر با پشتوانه مردمی و تأیید توسط مردم)، عوامل رسانه‌ای (داشتن منابع اطلاعات و ارتباطی) و متغیرهای فرهنگ (گسترش فرهنگ جهانی و تنی شدن فرهنگ داخلی و بی‌هویتی فرهنگی) است (سوئینی، ۱۹۹۶).

بوزان، امنیت اجتماعى را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعى تلقی کرده‌اند. به عبارت دیگر، امنیت اجتماعى معطوف جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند. برخى هم امنیت اجتماعى را مصونیت جامعه از هرگونه مزاحم، ترس، تهدید یا وضعیتی که در آن ارزش‌های حیاتی جامعه در خطر باشد، می‌دانند و مصادیق اختلال در امنیت اجتماعى را مسائلى مانند باندهای فساد و فحشا، بدحجابی، ماهواره، مشروبات الکلی، اغفال و فریب‌کاری و رمالی، فرق و عرفان‌های کاذب، اقلام مبتذل فرهنگى و آسیب‌های خانوادگی می‌دانند. نصرى امنیت اجتماعى را اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه‌های اجتماعى نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحركات عمدی (مانند کوچاندن هوشمند یک قوم) و تحولات عادى (مانند زلزله یا گسست نسلى) می‌داند. از نظر وی، عناصر اصلی تهدید امنیت با تاکید بر ابعاد اجتماعى در ایران با فرض نسبی بودن، تنوع، قابل کنترل بودن، تغییر و چندوجهی بودن مفهوم امنیت عبارت اند از:

۱. فقر اقتصادى ۲. اعتیاد ۳. خشونت خانوادگی ۴. فساد و فحشا ۵. بی‌اعتمادى ۶. هویت خواهی ۷. تبعیض ۸. نظام تأمین اجتماعى ۹. جنایات سازمان‌یافته ۱۰. مسائل زنان ۱۱. بیماری‌ها و اختلالات روانی (یزدانی و صادقی، ۱۳۸۹).

امروز مقوله امنیت پایدار به مفهوم میان رشته‌ای تبدیل شده است. بازشناسی و رسیدن به تعریفی نسبتاً جامع بدون توجه به علوم اجتماعى، علوم اقتصادى، علوم سیاسى و مطالعات فرهنگى ممکن نیست. سهم و نقش هر کدام از علوم یادشده در مفهوم پردازى و معناشناسى نوین امنیت پایدار یکسان نیست. به دو دلیل امنیت پایدار مقول‌های میان رشته‌ای است: یکی، به دلیل به هم پیوستگی و درهم تنیدگی و روابط چندسویه پدیده‌های اجتماعى، فرهنگى، سیاسى و اقتصادى با یکدیگر که خود ناشی از خصلت شبکه‌ای بودن جوامع امروزی است. و دیگری، به دلیل ارتباط دوسویه مقوله با مجموعه پدیده‌های اجتماعى، فرهنگى، سیاسى و

اقتصادی. امنیت پایدار شامل حفظ محیط زیست، رعایت حقوق مردم و آزادی‌های فردی و امنیت روانی می‌شود. هدف اصلی از رویکرد پایدار به امنیت ملی، امنیت مردم است و امنیت حاکمیت از آن جهت مورد تأکید واقع می‌شود که زمینه‌ای برای برقراری امنیت مردم شود. در امنیت پایدار، امنیت حاکمیت و امنیت مردم دو روی یک سکه‌اند و راهبردهایی توصیه می‌شود که بتواند در بلندمدت امنیت حاکمیت مردم را تأمین کند (مایکل کیت، سی ویل امس^۱، ۱۹۹۶).

راهبردهای اجتماعی فرهنگی محور، تنها راهبرد موفق امنیت پایدار در ایران

با توجه به نگاه اسلام به نقش سازنده و کلیدی انسان در شکل‌گیری پدیده‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی و اینکه در ادبیات قرآنی خداوند سرنوشت یک قوم و جامعه را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود بخواهند و خود برای این تغییر آمادگی روحی و فکری پیدا کرده باشند (رعد آیه ۱۱)، هر فرد انسانی گرچه کوچک‌ترین عضو جامعه به شمار می‌آید، در عین حال، مهم‌ترین عنصر محسوب می‌شود. با این توضیح معرفتی و نه روشی می‌توان امنیت فرد انسانی حاضر در جامعه را نقطه آغازین و سنگ زیربنای خوبی برای شکل‌گیری امنیت در سایر سطوح مانند امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی و... قرار داد. به همین اعتبار یعنی نقش محوری انسان به عنوان موضوع مستقل و بنیادین در کاربرد مفهوم امنیت، می‌توان وارد قلمروهای دیگر علم مانند انسان‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، فرهنگ و اقتصاد شد. منظور این است که به دلیل اهمیت و نقش انسان در نگاه معرفت اسلامی و فرهنگ انقلاب اسلامی نمی‌توان نقش عنصر انسانی را در ایجاد پدیده‌های اجتماعی، از جمله ایجاد امنیت پایدار نادیده گرفت. مقدمه هر تحول اجتماعی و فرهنگی تحول در درون انسان هاست. تجربه نهضت‌های صد ساله اخیر به‌ویژه پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد تنها راهبردهای اجتماعی برگرفته از فرهنگ اسلام ناب محمدی (صلوات علیه) و فرهنگ غنی و کهن ایرانی می‌تواند مؤثر و موفق عمل کند و جامعه ایران را از بحران‌های دشوار امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با کم‌ترین هزینه‌های اجتماعی و سیاسی عبور دهد. همچنین این تجربه تاریخی و دوره سی‌ساله انقلاب اسلامی نشان داد که هرگاه مسئولان، کارگزاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران جامعه در برنامه‌های کلان و خرد

۱-MichaelKeith and c.will/ams.

خود از فرهنگ اسلامی و ایرانی فاصله گرفته یا با تساهل و تسامح با تهاجم فکری، فرهنگی و اجتماعی برخورد کرده‌اند و مایل بودند الگوهای توسعه غربی را با همان ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی غرب پیاده کنند، موفق نبودند.

مؤلفه‌های و راهبردهای پیشگیری از تهدیدات امنیتی در خوزستان

۱. مردم محوری

مردم محوری مهم‌ترین و اولین راهبرد اجتماعی امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی ایران است. تجربیات تلخ و شیرین نهضت‌های صد ساله اخیر به‌ویژه تجربه موفق انقلاب اسلامی و مسائل و بحران‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سی‌ساله گذشته همگی گواه این معناست. سبک رهبری بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) و به‌دنبال آن مقام معظم رهبری مدظله‌العالی در برخورد با مسائل کلان نظام، از جمله مقوله‌های امنیت به خوبی نقش محوری مردم را در تحقق امنیت پایدار نشان می‌دهد. کسانی که هویت دینی، فرهنگی و انقلابی این ملت با فرهنگ را دست کم گرفته‌اند، به خوبی به این معنا واقف‌اند. آنان با استفاده از تمام ظرفیت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در اغلب حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و با به‌کارگیری تمام تکنیک‌های علمی روز در حوزه‌های جنگ نرم می‌کوشند با القای احساس جدایی مردم از حکومت، احساس ناامیدی، احساس ضعف در همبستگی ملی و اجتماعی و احساس دوری مردم از ارزش‌های بنیادین اسلام و انقلاب، مردم را به عنوان محور امنیت پایدار از میدان خارج کنند.

۲. ظرفیت‌سازی

ظرفیت‌سازی‌های مستمر، پویا و واقع‌بینانه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان راهکاری همیشگی باید در کانون توجه برنامه‌ریزان کلان، متوسط و خرد جامعه به‌ویژه در سطح تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و کارگزاران و برنامه‌ریزان اجرایی، قضایی و مجلس قرارگیرد. نسل‌های جدید که پا به عرصه حیات اجتماعی می‌گذارند به لحاظ استعداد، ظرفیت و نیازمندی‌ها با نسل‌های موجود و گذشته متفاوت‌اند. قالب و ظرفیت‌های موجود یا گذشته برای آنان اقناع‌کننده نیست. تنوع و سرعت تغییرات و ورود محصولات و عرصه‌های جدید و متنوع جهان خارج هم وجود دارد. حال اگر در این وضعیت برای

شناسایی، جذب، به‌کارگیری و استفاده از تمام استعدادها و علایق مردم و تمام لایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ظرفیت‌سازی‌های ملی، استانی و شهرستانی صورت نگیرد، نسل‌های جدید احساس سردرگمی، پریشانی و بی‌ارزشی خواهند کرد و این بهترین فرصت و زمینه برای جذب آنان به سمت فرهنگ‌های بیگانه و غیرخودی است. نکته کلیدی این است که باید این ظرفیت‌سازی‌ها فراشخصی، فراسلیقه‌ای و فراگروهی باشد و درعین حال، عالمانه و هوشمندانه و با محوریت مشارکت‌های واقعی و نه صوری مردمی باشد. مردم منبع انرژی پایان‌ناپذیر و قوه محرکه جامعه‌اند.

۳. نقش فرهنگ در تامین امنیت جامعه

تولید فرهنگ امنیت به معنای فرهنگی دیدن امنیت و نه امنیتی کردن فرهنگ و پدیده‌های اجتماعی براساس شرایط و مقتضیات گروه‌های اجتماعی و لایه‌های جمعیتی و سنی است. اگر مقوله امنیت با همه زوایا، ابعاد و سطوح آن برای مردم، مسئولان و نخبگان فکری و اصحاب رسانه‌ها به عنوان امری فرهنگی تلقی شود، مقوله‌ای که از یک سو برخاسته از نیازهای درونی و از ضروری‌ترین آن‌هاست و باید در چارچوب مبانی معرفت دینی و فرهنگ ملی و البته متناسب با واقعیت‌های اجتماعی تولید و بازتولید شود و از سوی دیگر، همه (مردم و دولت) این امر را یک دغدغه فردی و اجتماعی بدانند و خود را در تولید و بازتولید آن مسئول، متعهد و سهم‌بدانند و بی‌اعتنا از کنار آن عبور نکنند، در این صورت تولید فرهنگ امنیت در میان لایه‌های گوناگون اجتماعی تحقق خواهد یافت. نتیجه این فرهنگ، نهادینه شدن امنیت پایدار در کلیه سطوح جامعه است.

۴. ایجاد نظم اجتماعی جامعه پذیری

اگر جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری که از خانواده شروع و توسط سایر نهادهای اجتماعی مانند گروه دوستان، مدرسه و فضای اجتماعی و رسانه‌ها تکمیل می‌شود، اساس و پایه نظم اجتماعی است و نظم اجتماعی هم اساس و پایه امنیت پایدار است و تغییرات اجتماعی و تغییر ذائقه‌های اجتماعی نسل‌های جدید هم امری طبیعی است، در این صورت، باید فرآیندهای نظم‌پذیری اجتماعی مستور بازتولید شود تا بتواند به نیازهای جدید پاسخ دهد. اگر امنیت اجتماعی به عنوان محور نظم‌پذیری اجتماعی در کانون توجه سیاست‌گذاران آموزشی و تربیتی قرارگیرد و در میدان عمل اجتماع (برنامه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی،

فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دولت) هم به خوبی اجرا شود و جامعه درگیر تنش‌های سیاسی شده نشود، می‌توان امیدوار بود نسل آتی رفتارهای اجتماعی و سیاسی خود را در چارچوب نظم اجتماعی فرهنگی شده با محوریت امنیت درونی شده و پایدار از خود بروز دهد.

۵. فرآیند ایجاد وحدت رویه

عدم برخوردهای سلیقه‌ای دستگاه‌های مسئول با آسیب‌ها و جرایم حوزه امنیت اجتماعی بی‌شک فقدان یا ضعف سازمانی، ساختاری، فرهنگی یا مدیریتی در ایجاد سیاست‌گذاری واحد و منسجم به ویژه در اجرا به منظور پیشگیری، درمان و مقابله با آسیب‌های اجتماعی یا در حوزه جرایم اجتماعی یکی از نقاط ضعف سازمان‌های ذی‌ربط است. به همین دلیل، فرآیندهای مرتبط با ایجاد وحدت رویه می‌بایست به‌عنوان راهبردی اجتماعی و فرهنگی در اصلاح سیستم‌های مدیریتی مورد توجه قرار گیرد.

۶. تقویت و اقتداربخشی به نهادها و سازمان‌های نظامی، انتظامی و قضایی

این نهادها که عموماً مسئول در حوزه امنیت عمومی و پاسدار حفظ جان، مال و نوامیس اعضای جامعه هستند. باید از اقتدار (قدرت توأم با مقبولیت و رضایت‌مندی اجتماعی) لازم برخوردار باشند. هرگونه ناهماهنگی میان این سازمان‌ها یا ورود یک سویه هر یک از آن‌ها به جامعه در حالی که از سوی سازمان‌های ذی‌ربط با بی‌اعتنایی و بعضاً خنثی‌سازی روبه‌رو شود، سبب کاهش اقتدار آنان خواهد شد.

۷. کنترل تشدید تنش در مناسبات با دول استکبار

سیاست‌ها و اقدامات آمریکا، اسرائیل و برخی دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس نقشی تعیین‌کننده در امنیت و ناامنی منطقه و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران دارد. باید توجه کرد که سیاست قدرت‌های بزرگی مانند آمریکا بر مبنای توانایی‌های اقتصادی و نظامی تعیین و این امر باعث می‌شود که همواره احتمال وقوع جنگ، جاسوسی، تفرقه، شایعه پراکنی، و غیره وجود داشته باشد و هیچگاه این احتمال به میزان مطمئنی تنزل نکند (مرشیمیر^۱، ۲۰۰۱: ۴۵).

برخی با رویکرد نظامی معتقدند که صرف داشتن قدرت می‌توان از خطر افزایش احتمال وقوع جنگ و درگیری توسط قدرت‌های بزرگ جلوگیری کند و حتی از بعضی موارد همچون مراقبت از حوزه سرزمینی مانع از ورود موارد تهدید کننده خارجی شد. ولی باید اذعان نمود که این امر بخشی از موضوع بوده و امروزه ما شاهد فشارها و جنگ روانی در ابعاد متفاوتی می‌باشیم.

آمریکا ظرف ۱۰ سال گذشته دو کشور همسایه ایران (افغانستان و عراق) را به اشغال خود درآورده است. که فقط صدمات ناشی از مهاجرت و تردد بدون مجوز اتباع عراقی به داخل سرزمین خوزستان نشان از عدم کنترل دقیق و پذیرش خطرات متناسب با این امر را شاهد خواهیم. کافی است تنها به این نکته توجه کرد که عدم سرشماری دقیق و اسکان اتباع دو کشور یادشده ضمن زمینه رشد بزه کاری به لحاظ عدم آشنایی آنان با قوانین و هنجارهای کشور موجبات بیکاری و از بین رفتن فرصت‌ها را هرچند کوچک برای این استان به ارمغان می‌آورد. بعضی کارشناسان معتقدند که تشدید تنش در روابط آمریکا با ایران پس از اشغال لانه جاسوسی در تهران از مشوق‌های صدام برای عدم نگرانی از پیامدهای آغاز جنگ با ایران بوده است. هم اکنون آمریکا به شدت از امنیت و بقای اسرائیل حمایت می‌کند و تنها تهدید علیه امنیت و بقای رژیم صهیونیستی را جمهوری اسلامی ایران می‌داند. در راهبرد جدید نظامی آمریکا که در ۵ ژانویه امسال از سوی باراک اوباما اعلام شد، ایران به عنوان یکی از دو تهدید اصلی امنیت ملی آمریکا به شمار می‌رود. بنابراین، تشدید تنش در روابط آمریکا با ایران از عوامل اخلاص کننده در امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران است.

۸. تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی

در دوران معاصر امنیت کشورها صرفاً با تهدید و اقدام نظامی به خطر نمی‌افتد، بلکه تهدیدهای اقتصادی یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند تأثیراتی چشمگیر بر امنیت پایدار یک کشور و یا حتی با شدت متفاوت بر مناطق حساس همان کشور بر جای گذارد. در این چارچوب، تحریم سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز ایران از اهمیتی ویژه برخوردار است، زیرا درصدی عمده از درآمد ملی کشور و همچنین منابع تأمین بودجه سالانه دولت از این بخش به دست می‌آید. در شرایط کنونی وابستگی و حساسیت اقتصاد ایران به وضعیت صنعت نفت و گاز به قدری بالاست که هرگونه شوک منفی در درآمدهای نفتی ممکن است امنیت ملی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. امروز مشکلی که پیش روی

دولت قرارداد، این است که از یک سو، منابع قابل بهره‌برداری انرژی کشور رو به کاهش است و از سوی دیگر، به علت تحریم‌های بین‌المللی امکان بهره‌برداری بیش‌تر از منابع موجود مشکل‌تر شده است. تحریم‌های بین‌المللی ضمن اینکه سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران را با مشکل مواجه کرده، بلکه دسترسی دولت ایران به منابع اعتباری بین‌المللی نیز محدود شده است. از این رو، در صورت بحران صادرات انرژی و کاهش سریع درآمدهای نفتی ایران، دولت نمی‌تواند به راه حل فاینانس متوسل شود. چنین شرایطی ممکن است چالش‌هایی پیچیده را متوجه امنیت ملی ایران کند.

۹. تغییر مداوم در محیط امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی

ویژگی‌های محیط بین‌المللی یکی از عوامل مؤثر بر رفتار دولت‌هاست که در ساختارهای متفاوت بر بازیگران تأثیر می‌گذارد. این محیط می‌تواند ساختار موازنه قوا، دوقطبی یا تک‌قطبی داشته باشد. این عامل فراسوی مرزها عمل می‌کند. هرچند کشورها واحدهایی مستقل‌اند، اما بی‌تأثیر از تعامل واحدها با یکدیگر نیستند (سیف زاده، ۱۳۸۰).

در محیط امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیبی از تداوم و روندهای گذشته و تغییر به چشم می‌خورد. ظهور بیداری اسلامی در کشورهای عربی فضای امنیتی خاورمیانه را به نفع ملت‌ها و به ضرر دیکتاتورها و رژیم صهیونیستی تغییر داده است. اما آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی مانند فرانسه و نیز تعدادی از کشورهای عربی مانند عربستان و قطر در تلاش برای تأثیرگذاری بر موج آزادی‌خواهی ملت‌های عربی هستند و درصددند با مدیریت وقایع موجود بر نفوذ خود در منطقه بیافزایند و اجازه ندهند ساختارهای ضد استکباری در حکومت‌های جدید به وجود آید. باید توجه کرد که برخی هدیده‌های امنیت ملی مربوط به محیط بین‌المللی و منطقه‌ای است و تغییر در محیط امنیتی می‌تواند باعث افزایش یا کاهش امنیت ملی شود.

۱۰. قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی مانند القاعده و سلفی‌ها در کشورهای همسایه ایران
گروه‌های تروریستی و تکفیری دارای عقیده و تفکر انحرافی از اسلام بوده و در حدود شصت کشورها دارای عضو می‌باشند. این سازمان تارهای به هم تنیده‌ای از ارتباطات مذهبی، سیاسی، مالی و ارتش تشیکلاتی را به‌ویژه در کشورهای همسایه ایران مانند افغانستان،

پاکستان و عراق فراهم آورده است که تهدید امنیتی جدی برای ایران به ویژه برای خوزستان به شمار می آید.

وجود پتانسیل بالای منازعات فرقه ای در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران از مهم ترین مؤلفه هایی است که می تواند تهدیدهایی را برای نهادهای سازی وحدت و انسجام ملی در بازه های زمانی متفاوت به وجود آورد. به همین منظور یکی از ملزومات زیربنایی، مدیریت نرم افزاری امنیت خارجی کشور از طریق شناسایی، رصد و طبقه بندی تهدیدهای نرمی است که از فضای هر کدام از پانزده کشور همسایه می تواند بنیان های اقتدار ملی ایران را با چالش هایی مواجه کند.

به هر میزان که جمهوری اسلامی ایران شناخت دقیق تری از چالش های امنیتی کشورهای همسایه داشته باشد به همان میزان تحقق اولویت های کلان با هزینه ای کم تر محقق خواهد شد. در این راستا وجود خشونت های فرقه ای در لایه های پیرامونی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در پاکستان، افغانستان و عراق به عنوان یکی از کانون های چالش محور امنیت پایدار محسوب می شود. از سوی دیگر، تروریسم، اصلی ترین و محوری ترین منبع تهدید عمده نظام جهانی در وضعیت کنونی است و بزرگ ترین مشکل کشورهای همسایه ایران است که گاه و بی گاه شاهد برخی از اشکال آن در خوزستان هستیم. تروریسم نه تنها باعث بی ثباتی کشورهای منطقه و همسایه ایران شده است، بلکه بهانه و مبنای بسیاری از مداخلات قدرت های بزرگ در امور داخلی کشورها یا اقدام نظامی علیه آنان در شرایط فعلی شده است. در اینجا نقش دولت در ایجاد زمینه و بسترسازی برای اجرایی اهداف آرمانی و کلان کشور و کمک و توجه در جهت نیل به خواسته های استان بسیار ضروری و حساس بوده و زمینه مناسب را در اختیار دشمن قرار نخواهد داد. چگونگی اعتقاد دولت به رفع خواسته های بومی استان و تبدیل آن ها به برنامه های کمی، تأثیر زیادی در تحقق یا اهداف عالی کشور داشته و مانع از هرگونه زمینه بهره برداری دشمنان و سوء استفاده کنان را دارد. بدون شک هرگونه غفلت و یا کوتاهی از سوی سیاست گذاران نه تنها موجبات ظرفیت سوزی را از دست می دهیم بلکه با تقدیم فرصت به دشمن بستر رشد و تهدید را فراهم نموده ایم. که یکی از اثرات مخرب این حالت را می تواند در فاصله گرفتن و جدا شدن نخبگان و فرهیختگان جامعه از حاکمیت دید.

خوزستان بدلیل تنوع آب و هوایی و زمینه‌های متفاوت اشتغال در طول تاریخ خود محل سکونت اقوام و قومیت‌های گوناگون مثل لر، فارس، کرد، عرب، بختیاری و ترک و... بوده است. که همگی اغلب مسلمان و خود را ایرانی می‌دانند. بایست اذعان نمود که ایران در زمره ممالک دارای تنوع قومی است. سرزمین خوزستان نه تنها در تاریخ گذشته خود بلکه هم‌اکنون نیز ساختار چند قومی دارد و ترکیبی از گروه‌ها متنوع قومی زیبایی خاصی به ملت ایران داده است. در حال حاضر آمیختگی و امتزاج فراوانی در قومیت‌های ایرانی رخ داده است و درباره میزان جمعیت گروه‌های قومی ایران، آماری بسیار دقیق در دست نیست و منابع مختلف ارقام متفاوتی ارائه داده اند (مختارزاده، ۱۵ مهر ۱۳۸۰). در بعضی کشورها تعدد گروه‌های قومی و مذهبی در صورتی که به درستی مدیریت و هدایت نشوند می‌تواند، به علت تفاوت‌های ماهیتی با نظام حاکم، منشأ بالقوه‌ای برای تضعیف وفاق و تهدیدی برای انسجام اجتماعی باشند. خوزستان نیز به دلیل موقعیت ژئوپولیتیکی و ماهیت نظام سیاسی در طول حیات خود با جنبش‌ها یا تحركات قومی یا به نوعی با ایدئولوژی جغرافیای قوم‌گرایانه مواجه بوده است. این گرایش‌ها گاهی اوقات مورد توجه قدرت‌های خارجی قرار گرفته و از آن به‌عنوان ابزار فشاری بر حکومت مرکزی استفاده شده است.

تبیین مفهومی و جایگاه شناسی مؤلفه‌های امنیت

برنامه‌ریزی‌های کلان ایران طی فرآیندی نسبتاً طولانی پس از انقلاب در زمینه‌های متعدد به‌ویژه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی فنی و فرهنگی و نظامی نشان از نگرش‌های اسلامی و منطقه‌ای و داخلی و خارجی آن به صورت صریح و با دقت جزئی اشاره دارد که بعد آرمانی آن غالب می‌باشد. دستیابی به اهداف ترسیم شده در جهت توسعه ابعاد نظامی، اقتصادی، اجتماعی، علمی، فرهنگی و سیاسی مستلزم به‌کارگیری ظرفیت‌ها و منابع و استفاده بهینه از سرمایه‌هاست (اسماعیلی، ۱۳۸۵). در تمام مسیر برنامه‌های کلان و تعریف هدف نهایی ترسیم شده جهت رسیدن به سطح مناسبی از پیشرفت و توسعه از سوی دولت زمینه‌های ذیل مشخص تر می‌باشند:

اقتصادی: خوزستان منطقه‌ای با اقلیم مناسب جهت اجرای کلیه امور زیربنایی و اقتصادی می‌باشد. بدون توجه به مقوله نفت و گاز و پتروشیمی این بخش از کشور دارای رشد پرشتاب

و مستمر در زمینه‌های اقتصادی بوده که در بسیاری از شاخص‌ها جزء رده‌های بالای تولید می‌باشد. این مهم در ارتقای نسبی درآمد سرانه خوزستان بسیار مشهود می‌باشد.

سیاسی: استان خوزستان دارای مردمانی فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن است.

فرهنگی و علمی: نگرش غالب در خوزستان حسب تدوین برنامه‌های کلان دستیابی به جایگاه واقعی خود در تولید علم و فناوری با تأکید بر جنبش‌های نهضت نرم‌افزاری و تولید علم متناسب با درخواست‌های کشور است.

به‌منظور تدوین الگوی برنامه‌های کلان جامعه خوزستان دارای ویژگی‌هایی متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی خواهد بود (زالی، ۱۳۸۷).

تحلیل محتوای و انطباق آن با مؤلفه‌های امنیت کشور شاخص‌هایی را در اختیار قرار می‌دهد که توجه به آن مفهوم و جایگاه امنیت را متجلی می‌سازد. با توجه به رویکرد حاضر می‌توان نوع نگاه به امنیت را به تبع آن مشخص کرد. بررسی این مؤلفه‌های حاکی از توجه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به بعد امنیتی ملی در خوزستان مبتنی بر توسعه پایدار و جنبه ایجابی امنیت است.

در رویکرد ایجابی تلاش می‌شود به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شود و تحولات نوین اجتماعی و شرایط ذهنی و عینی آن در تبیین امنیت مورد توجه قرار گیرد. در این نگرش، امنیت به فقدان تهدید محدود نشده است و علاوه بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ امنیت نیز مدنظر قرار می‌گیرد و از این‌رو، امنیت از یک وضعیت به یک تولید اجتماعی تبدیل می‌شود. لذا فقدان تهدید زمانی معنادار می‌شود که یک کشور از توانایی و قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد. به عبارت دیگر، در این رویکرد تأکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است. لذا کسب قدرت و توانایی در کانون تعریف این رویکرد از امنیت واقع شده و بر این اساس امنیت برای توسعه و رفاه جایگزین تعاریف دیگر می‌شود و گسترش امنیت به جای کسب و حفظ آن اهمیتی خاص می‌یابد. بدین ترتیب، رهایی نسبی از تهدیدهای عمدتاً نظامی و روانی

بیرونی که در تعریف فقدان تهدید مورد تأکید است به توانایی برای رویارویی با هرگونه تهدید بیرونی و آسیب پذیری درونی تحول می‌یابد و امنیت هم‌نشین با مفاهیمی چون توسعه، رفاه و مانند آن می‌شود که همگی ناظر بر قدرت و توانایی ملی از یک سو و اقتدار و توانمندی بین‌المللی از سوی دیگر هستند.

ابعاد امنیت در نگاه ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی

۱. منطقه‌ای امن

یکی از ویژگی‌های مهم و حایز اهمیت در سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد جمهوری اسلامی توجه به نقاط حساس و استراتژیک و مستعد مانند خوزستان می‌باشد. لذا وجود منطقه‌ای امن، کارا و توانمند بسیار ضروری می‌باشد. این رویکرد سلبی است و ابعاد اجتماعی و سیاسی دارد. منطقه‌ای می‌تواند امن باشد که مردمش از حداقل‌های زندگی برخوردار باشند و نگرانی از تهدید متفاوت به ویژه خارجی نداشته باشند. رفع تهدید خارجی به میزان زیادی بستگی به مهارت دولت مردان در تعامل با جهان دارد. در منطقه امن، آحاد مردم از امنیت در حوزه‌های مختلف برخوردار بوده و در آسایش و به دور از ترس، خوف و ارباب به حیات اجتماعی خود ادامه می‌دهند. در این جامعه، ملت در مقابل تهدیدهای آشکار و پنهان، درون مرزهای ملی امنیت داشته و تأمین امنیت جامعه یعنی خنثی کردن تمام نیروهای تهدیدکننده داخلی و خارجی که ممکن است سیاسی، اقتصادی، امنیتی یا اجتماعی باشند و هر کدام به نوعی جامعه و دولت را تحت فشار و مورد تهدید قرار دهند از قبل پیش‌بینی شده و در جهت مهار آنها قدم‌های موثر برداشته شده باشد.

۲. جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت اجتماعی

این ویژگی دارای ابعاد اجتماعی و سیاسی و رویکردی ایجابی است. امنیت اجتماعی به مفهوم آزاد بودن مردم در شیوه زندگی خود بدون نگرانی از ناامنی‌های اجتماعی است. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط است. منظور از امنیت اجتماعی عمده‌تاً این است که افراد جامعه در زندگی و مناسبات اجتماعی‌شان، از تمام تهدیدها و اقدامات خلاف قانون چه از جانب افراد، چه از جانب گروه‌های سیاسی چه از جانب حکومت و عمال آن، فارغ و آسوده باشند. ایجاد نظم و سازوکار اجتماعی تعریف شده حین عبور و مرور مردم در مراکز عمومی و دفاع از مردم و

برخورد با باندهای تبهکار، با هدف استقرار امنیت پایدار در سطح کشور از مظاهر امنیت اجتماعی به شمار می‌رود.

۳. جامعه‌ای بهره‌مند از امنیت قضایی

امنیت قضایی به معنای برابر بودن آحاد مردم در مواجهه با قانون و به این مفهوم است که قوه قضاییه به مردم ظلم خواهد کرد و مردم از اقدامات خلاف قانون واحدهای دادگستری در امان هستند. استقرار امنیت و عدالت قضایی و ایجاد نظم حقوقی و حاکمیت قانون در روابط اجتماعی و اقتصادی یکی از اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی است. عملکرد سیستم قضایی در هر کشور بیانگر درجه مطلوبیت شیوه حکمروایی در آن کشور است. تأمین امنیت قضایی در اصل سوم قانون اساسی نیز به تصریح بیان شده است.

۴. سامانه دفاعی مقتدر مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه

ایران کشوری مستقل و مقتدر با سامانه دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت است. تجربه مهم ایران در دوران جنگ تحمیلی رسیدن به بازدارندگی از طریق بسیج مردمی تلاش برای توسعه صنایع نظامی و ساخت سلاح‌های مختلف به‌ویژه موشکی بوده است. حضور داوطلبانه مردم به‌ویژه خوزستان در جبهه‌های جنگ عامل اصلی موفقیت ایران در مصاف با ارتش مجهز عراق بود. تکیه بر ظرفیت‌های ملی توان زیادی در اختیار جمهوری اسلامی گذاشت که نقشی تعیین‌کننده در پیروزی‌های ایران داشت.

۵. تأثیرگذاری و تعامل بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای

خوزستان بدلیل همجواری با کشور عراق و بخشی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز برخی پیوندهای قومی می‌تواند نقش موثری در ارائه جمهوری اسلامی در منطقه ایجاد نماید در اصل با تحیکم الگوی مردم‌سالاری دینی در درون خود تأثیر بسزایی بر همگرایی اسلامی در منطقه‌ای ایفا نماید. طبیعی است زمانی خوزستان به نمایندگی از کشور می‌تواند چنین نقشی را در جهان اسلام ایفا کند که خود منطقه‌ای امن پیشرفته در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و دفاعی باشد تا ملت‌های اسلامی علاقه‌مند به الگوگیری از ایران شوند. در این صورت نه تنها ایران هیچ‌گونه نگرانی امنیتی از سوی کشورهای همسایه و منطقه خواهد داشت، بلکه کشورهای جهان اسلام هم توسعه امنیت خود را در همگرایی با ایران خواهند دید. تعامل

سازنده و مؤثر با جهان بیرونی بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت نشان از پیوند وثیق و رویکرد سیاسی و ایجابی آن است. ذکر این نکته ضروری است که بدون تعامل سازنده با نظام جهانی نمی‌توان امنیت ملی و رشد دراز مدت اقتصادی را تضمین کرد. از این رو، تأکید بر تعامل فعال با کشورهای جهان در همه عرصه‌ها و هم‌پیوندی و اثربخشی در سطح اقتصاد منطقه‌ای تأکید کرده است. بدین منظور گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی و همزیستی فعال با جهان و بیرون رفتن از هرنوع جمود اقتصادی با سرلوحه قرارداد اصول عزت، حکمت و مصلحت از مهم‌ترین راهکارها برای دستیابی به هدف‌های متعالی نظام است (کریمی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). اما طی چند سال اخیر شاهد راه‌اندازی اتاق‌های بازرگانی خوزستان و بصره و مشابه آن بوده ایم.

۶. جامعه‌ای اخلاقی

ایران کشوری با جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی است. ایجاد جامعه اخلاقی هدف بزرگ پیامبران خداست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: من برای تمام کردن اخلاق مبعوث شدم. در جامعه اخلاقی انسان‌ها با آرامش و احساس امنیت و بدون دغدغه زندگی خواهند کرد. در جامعه‌ای که اخلاق در آن حاکم است، امنیت در همه ابعاد آن به اوج می‌رسد و افراد در آن با هم احساس برادری خواهند کرد.

۷. فقرزدایی

فقر علامت عدم توازن ساختاری و ریشه‌دار است که ارتباطی عمیق با محرومیت اجتماعی، آسیب‌پذیری، بی‌قدرتی، انزوا و ابعاد دیگر محرومیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد (روحانی، ۱۳۸۹: ۶۳۷).

یکی از عناصر تهدیدکننده امنیت، فقر مردم است. گفته می‌شود شکمی که گرسنه است ایمان ندارد. کمی درآمد، بحران‌های اقتصادی، افزایش بیکاری و افزایش تعداد جمعیت زیر خط فقر در دوره‌های رکود و تورم شدید از عوامل مهم ازدیاد انواع جرایم از جمله دزدی، خودکشی،

اختلالات روانی، اعتیاد، جاسوسی، طلاق و سایر آسیب‌های اجتماعی است. فقر تهدیدی اساسی برای امنیت کشورهاست، زیرا موجب بروز خشونت و گسترش فاصله طبقاتی می‌شود و افراد فقیر را از حوزه سرمایه انسانی خارج و بعضی از آن‌ها را به عوامل ناامن ساز جامعه تبدیل می‌کند پیامبر اسلام(ص) در این باره می‌فرماید اللهم انی اعوذ بک من الکفر و الفقر، خدایا من از کفر و فقر به تو پناه می‌برم(نهج الفصاحه، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

۸. مقابله با فساد

عدم دسترسی به اطلاعات و عدم شفافیت‌های بودجه‌ای، بانکی، بازارهای مالی، قیمت‌ها و قراردادهای و نیز عدم پاسخگویی مسئولان می‌تواند از عوامل اثرگذار بر افزایش فساد در هر کشوری باشد. یکی از اهداف مهم در این زمینه ایجاد ساختاری در نظام اداری است که در آن هر نوع فساد به حداقل برسد. در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران موضوع مبارزه با فساد و پیشگیری از آن در ۱۲ بند مطرح شده است از میان عواملی مختلفی که امنیت ملی و نظم عمومی را در یک جامعه به مخاطره می‌اندازند، مسئله فساد به دلیل ناکارآمد کردن نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه و ایجاد انحراف کارکردی در آنها نظم و امنیت ملی و اجتماعی را با چالشی عمیق مواجه می‌کند(دادگر، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

از جمله هزینه‌های فساد اقتصادی و سیاسی، افزایش شکاف طبقاتی و بی‌اعتمادی مردم نسبت به حکومت است که می‌تواند به بحران‌های سیاسی با پیامدهای امنیتی در سطح ملی منتهی شود. فساد از عوامل برجسته فروپاشی حکومت‌ها و حتی تمدن‌ها در طول تاریخ بوده است.

۹. رفع انواع تبعیض

تبعیض یکی از عوامل تولیدکننده ناامنی روانی در جامعه است. برای نیل به امنیت پایدار، نیاز به ایجاد جامعه‌ای بدون فقر و فساد و تبعیض است. تبعیض به مفهوم افزایش فاصله بین دهک‌های جامعه است. تبعیض تولیدکننده بغض بخشی از جامعه نسبت به افراد و گروه‌های برخوردار اجتماعی است که ایرانیان و از جمله مردم شریف خوزستان نسبت به آن بسیار حساس‌اند.

در تقسیمات برخوردارانی آحاد ملت، بخشی از مردم زیر خط فقرند، بخشی طبقه متوسط‌اند و بخش دوم جزو متممکنان و مرفه‌های جامعه به شمار می‌روند. هدفی که می‌بایست دنبال شود

این است که طبقات پایین و زیر خط فقر به سطح طبقات متوسط برسند و طبقات متوسط هم از زندگی پایدار و معیشت قابل قبول برخوردار شوند. در کنار این‌ها طبقاتی هستند که جزو آسیب‌دیدگان هستند و در همه بخش‌ها هستند. این دسته هم باید با حمایت‌های ویژه، معیشت مطلوب داشته باشند. بخشی دیگر از جامعه، در مناطق محروم و روستاهایی زندگی می‌کنند که از نظر جغرافیایی، آسیب دیده یا از گردونه رشد عقب مانده‌اند. برای آن‌ها هم سیاست توازن جغرافیایی باید در نظر گرفته شود تا با بودجه‌ها و هزینه‌های خاص، در وضعیتی قابل قبول قرارگیرند (مهدی پور، ۱۳۸۴: ۴۰).

حال در کنار بیان موضوع فوق تفاوت‌های قومی، نژادی و زبانی نیز دارای حساسیت‌های خاص خود می‌باشند که دقت نظر صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان را به هنگام تدوین و تشریح اهداف کشور و منطقه لحاظ نمایند. بدیهی است هر نوع اقدامی بدون توجه به چنین شاخص‌هایی دستیافتنی نخواهد بود. طبیعی است نیل به توسعه پایدار مستلزم تحقق اهداف فوق است که امنیت پایدار را نیز به وجود می‌آورد.

چگونگی نیل به امنیت پایدار در خوزستان

راه و شیوه رسیدن به امنیت پایدار از راه تقویت منطقه در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، علمی، فناوری، سیاسی، نظامی و فرهنگی است، زیرا عوامل خطر ساز و تهدید کننده امنیت پایدار متنوع و متکثرند. اگر به همین منظور اگر بخواهیم شاهد خوزستانی قدرتمند باشیم، ناگزیر باید پیشرفت کند و توسعه یابد. که لازمه پیشرفت و توسعه عدم نگرانی از ناپایداری در امنیت مردم و منطقه و پس از آن برای نظام جمهوری اسلامی است. برای نیل به پیشرفت نیاز به بهره‌گیری از منابع و سرمایه‌های داخلی و بومی است. توسعه قدرت اقتصادی، سیاسی و دفاعی و سایر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های منطقه می‌تواند سایر نگاه‌ها را به سوی الگو برداری و در نظر گرفتن نقش استان در تمامی زمینه‌ها را فراهم نماید. حال به برخی از شیوه‌های امنیت‌سازی به شرح ذیل است:

۱. رسیدن به قدرت بازدارندگی همه‌جانبه

بهترین حالت در این نگرش در ابتدا تدوین برنامه‌های در چشم‌اندازهای بلند مدت می‌باشد، که بتوان در سایه آن نسبت به تعیین اهداف وضعیت و خواست‌های امن، مستقل و مقتدر در

جهت سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و دستگاه‌های اداری را مشخص و هدف‌گذاری نمود. بازدارندگی هم‌جانبه دارای سه مؤلفه مهم است:

الف. تقویت مستمر توانمندی‌ها و قابلیت‌های انتظامی

ب. توسعه صنایع کشور به منظور تجهیز در جهت مقابله با تمامی بحران‌ها اعم جنگ نرم و سخت

ج. توان بسیج و سازماندهی مردمی

قدرت بازدارندگی همه جانبه در صورتی تحقق می‌یابد که بتواند با راهبردهای چندگانه با تهدیدهای ناهمگون مقابله کرد زیرا تهدیدهای ناهمگون ماهیت متنوع، فراگیر، چند لایه و پیچیده دارند (سیمون^۱، ۲۰۰۷: ۱۳۵).

۲. چگونگی دستیابی به جایگاه متناسب اقتصادی، علمی و فناوری

اغلب استان‌ها و حتی کشورهای ضعیف و در حال توسعه نسبت به مراکز توسعه یافته در مقابله با چالش‌های متعددی که امنیت‌شان را تهدید می‌کند، قدرت، توانایی و ظرفیت‌های محدودتری دارند. به همین منظور می‌بایست در جهت اهداف چشم‌اندازی به منظور مقابله با هر نوع چالش برای دستیابی به اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه متناسب با هویت اسلامی و انقلابی و با تعامل سازنده و مؤثر در درون استانی و کشوری گام برداشت. باید توجه داشت که توسعه اقتصادی نیروی محرکه سایر امور به سوی پیشرفت در حوزه‌های گوناگون خواهد بود. پس باید با بهره‌گیری از کلیه امکانات و بسترسازی مناسب ابتدا این مهم را فراهم نمود. برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی جز با شایسته‌سالاری و اولویت دادن به نخبگان متعهد جامعه میسر نخواهد شد. توسعه اقتصادی، علمی و فناوری بخشی مهم از قدرت ملی است که تغذیه‌کننده اقدامات لازم برای نیل به امنیت پایدار است. معمولاً بخشی از منابع قدرت استانی در تعامل و روابط عمومی نخبگان در سطح کشور قرار گرفته است که می‌تواند به استان در رسیدن به جایگاه متناسب با خود او را کمک نماید. پیشرفت و توسعه یافتگی، استان را امن‌تر و سیاست‌گذاران و مسئولین را در مواجهه با چالش‌های امنیتی تواناتر می‌سازد.

۳. تعامل سازنده و روابط عمومی مؤثر در کشوری

هدایت و بسیج منابع در جهت کسب اهداف عالی استانی در سایه تعاملات نخبگان و مسئولین در سطح کشور و گاه حسب نیاز برون مرزی به منظور جذب سرمایه گذار به طرق تعامل و دعوت و روابط عمومی مؤثر سیاست گذاران این حوزه می باشد این تعامل می بایست بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت استان و متناسب با برنامه ریزی انجام یافته و تدوین شده قبلی باشد. پس از پایان جنگ تحمیلی این نوع روابط و تعاملات جای خود را یافته و نقش مؤثر آن رفته رفته افزایش یافته است. زیرا همان گونه که در حال حاضر مشاهده می کنیم اعمال حاکمیت ملی در کشور بیشتر نظارتی بوده و استان ها فعال تر از دوره های گذشته شده است. بنابراین، مفهوم امنیت نیز دچار دگرگونی شده و می بایست استان ها به جای تقابل با یکدیگر، تأمین امنیت در حوزه های متفاوت خود را در همکاری مشترک با هم جستجو کنند. برای مثال، عدم بازاریابی محصولات استانی به ویژه در بخش کشاورزی و عدم رشد بخش صیادی و شیلات را می توان در این زمینه نام برد. در حوزه اقتصاد همواره فرصت هایی نهفته است که با به کارگیری آن ها می توان منافع و امنیت پایدار استانی را تقویت کرد. ویژگی رویکرد تعامل این است که همکاری دو سویه سازنده را برای نیل به منافع مشترک شکل می دهد و ضمن جلوگیری از هدر رفت سرمایه و جهت دهی به آن، یک بازی برد را برای طرفین به ارمغان می آورد.

۴. مردم سالاری دینی

توسعه پایدار مشروط به تدوین برنامه بلند مدت باتوجه به فرهنگ بومی، مذهب، نژاد، زبان متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی استان و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان ها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی است. ساختارهای مردم سالار موجب افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی شده و آحاد مردم احساس می کنند که با حضور خود در صحنه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی سرنوشت خویش را تعیین می کنند و این امر موجب افزایش ضریب امنیت پایدار جامعه خواهد شد. شهید مطهری در این باره می نویسد: یکی از چیزهایی که رضایت عموم بدان بستگی دارد این است که حکومت با چه دیده ای به توده مردم و به خود نگاه می کند. با این چشم که آن ها

برده و مملوک و خود مالک و صاحب اختیار است؟ یا با این چشم که آن‌ها صاحب حق‌اند و او خود تنها وکیل و امین و نماینده است؟ در صورت اول هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام می‌دهد و در صورت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۷: ۴۴۱).

۵. تأمین رفاه جامعه و برخورداری مردم از فرصت‌های برابر

برخورداری از رفاه مادی به مفهوم تأمین نیازهای متعارف خانوارها و ارتقای سطح درآمد آن‌ها و ایجاد جامعه‌ای با اشتغال کامل و بدون بیکاری به عنوان یکی از مشکلات اساسی جامعه امروز خوزستان است. پس در اینجا نیز باید هدف‌گذاری‌ها و تدوین برنامه‌ها متناسب یا رشد جمعیت و توسعه پایدار آن رفاه اجتماعی شامل: برخوردار از سلامت، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر بدون نگرش‌های قومی، توزیع مناسب درآمد در سطح استان متناسب با تهدیدات، توجه خاص به نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، رفع هرگونه تبعیض و بهره‌مندی از محیط‌زیست مطلوب است. بدون شک رضایت مردم کمک فراوانی به توسعه امنیت داخلی و همراهی مردم با حکومت می‌نماید و می‌تواند به انسجام ملی کمک کند و باعث امنیت پایدار شود.

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله بسیار مشهود می‌باشد ضرورت تدوین و برنامه‌ریزی برای تمامی نقاط هدف‌گذاری شده توسط کارشناسان حوزه‌های مختلف به منظور جلوگیری از خسارت جبران ناپذیر بحران‌ها در ابعاد مختلف نیل به امنیت پایدار است. بر همین اساس توجه به نیازهای جامعه هدف شامل تنوع قومی و زبانی و ظرفیت‌ها و تهدیدهای موجود در این مسیر حائز اهمیت بوده و چگونگی بهره‌مندی از این تهدیدها و تبدیل آن‌ها به فرصت علاوه بر ایجاد بستری امن می‌تواند زمینه رشد و شکوفایی و توسعه پایدار را برای جامعه به ارمغان آورد. در کل سعی بر این است تا به صورت تلویحی بایسته‌های نیل به امنیت پایدار تعیین تا در کنار آن بتوان به جایگاه واقعی استان دست یافت. باید توجه کرد که استان در محیط بسیار متحول امنیتی قرار گرفته است و به‌عنوان بازیگر مهم و تأثیرگذار در کشور می‌باشد و این خود شاخص مهمی برای اثرگذاری و احقاق مطالبات استان می‌باشد. زیرا استان برای ایفای نقش

فعال خود نیاز به امنیتی پایدار در فضای پر چالش کنونی دارد. تدوین برنامه‌های راهبردی و درازمدت برای توسعه اقتصادی و امنیت پایدار در استان محسوب می‌شود. پیشرفت مستمر و امنیت پایدار مکمل یکدیگر و هریک زمینه ساز توسعه دیگری است. بدیهی است که امنیت پایدار شرط لازم برای پیشرفت اقتصادی و توسعه موزون کشور است. توسعه پایدار نیز زمینه ساز گسترش و تقویت و ارتقای امنیت ملی و اجتماعی است. رابطه این دو مقوله بسیار ظریف و حساس است و تلفیق این دو برای بسترسازی هر یک برای دیگری ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در ساختار امنیتی پایدار می‌بایست پیش‌بینی‌های لازم عمدتاً متکی بر توانمندی‌ها، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های داخلی استان طراحی شده باشند.

منابع و مأخذ

۱. اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران، ۱۳۸۵، کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
۲. اسماعیلی، رضا، سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه ایران، ۱۳۸۵، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. باری، بوزان، مردم دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تاجیک، محمدرضا انتظام در پراکندگی بحثی در امنیت ملی ایران، ۱۳۷۷، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
۵. دادگر، یدالله و رو حلاله نظری، بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان: ۱۳۸۸، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۶۴.
۶. رضائیان، علی، ایجاد و استقرار مدل چشم‌انداز سازمانی در پرتو چشم‌انداز نظام ج ۱۰، ۱۳۸۴، فصلنامه دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸ و ۹.
۷. رضایی میرقاند، محسن و علی مبینی دهکردی، ایران آینده در افق چشم‌انداز: تهران، ۱۳۸۵، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، ۱۳۸۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۹. روضه الواعظین، القتال النیشابوری.
۱۰. زالی، علیرضا، دیدگاه‌های بهداشتی در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور: تهران، ۱۳۸۵.
۱۱. سیف زاده، سید حسین، اصول روابط بین‌الملل: تهران، ۱۳۸۰، نشر میزان.

۱۲. طباطبایی سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، جلد هشتم، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، ۳۷۰: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
۱۳. عباس زاده، هادی و کامران کرمی، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۱.
۱۴. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۹: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
۱۵. علایی، حسین، امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نشریه آفاق امنیت، شماره ۱۵.
۱۶. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران ۱۳۸۹: مؤسسه نشر شهر.
۱۷. کریمی، زهرا، پابندی به اهداف سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۰.
۱۸. مختارزاده، علیرضا، سلسله مقالات قومیت‌شناسی امنیتی، ماهنامه سخن آشنا، ۱۳۸۳، شماره ۸ و ۱۰.
۱۹. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه از مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران، انتشارات صدرا.
۲۰. سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی، مهدی پور، حسین، زمستان ۱۳۸۴.
۲۱. ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۸.
۲۲. نصیری، حسین، امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۳۸۴، شماره ۲۱۵.
۲۳. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۸۶: سازمان چاپ و انتشارات بدرقه جاویدان.
۲۵. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی تهران، ۱۳۷۸، انتشارات مروارید.
۲۶. افتخاری، اصغر، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، سایت WWW.aftab.ir.
۲۷. افتخاری، علیرضا، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی، تهران ۱۳۸۴، نشر گلیویه.
۲۸. بوزان، باری، تأمین اجتماعی، مشهد، ۱۳۸۷، دانشگاه امام صادق(ع).
۲۹. بیل، مک سویتی ترجمه علیرضا طیب، هویت و امنیت، ۹۰/۹/۱۶، WWW.CSSS.ir.
۳۰. پورهاشمی، سید عباس، احساس امنیت و حقوق شهروندی، تهران، ۱۳۸۲، نشریه پگاه شماره ۱۳۵.
۳۱. دارابی، علی، نگاهی نو به مقوله امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

۳۲. سالار، محمد، مؤلفه های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)، مجله اندیشه، شماره ۶، ۹۱/۱۰/۶، سایت www.tebyan.net
۳۳. ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹، ص ۲۰.
۳۴. عبدالمحمدی، حسین، تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی، فصلنامه معرفت، شماره ۵۲.
۳۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۶۳، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.
۳۷. میرسندهی، سید محمد، تحلیل جامعه شناسی امنیت در ایران با تأکید بر رویکرد تاریخی، تهران، ۱۳۹۰، سایت www.csss.ir
۳۸. نویدنیا، منیژه، امنیت اجتماعی، تهران، ۱۳۸۸، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Dennis Wrong, (1994), **The Problem of Order**, Cambridge Harvard University.

D. Klaus, (2000), **Geopolitics in a Changing World**, London: Prentice Hall.

J. Law, (1994), **Organizing Modernity**, Combridge: Black Well Publishers.

Mearshiemer, John, (2001), **The Tragedy of Great Power Politics**, New York, Norton Company.

Mitchell, Paul T. (2000), «Network Centric Warfare», **Adelphi Paper**, No. 385.

Simon, Steven, (2007), “American and Iraq: The Case for Disengagement” **Survival**, Vol. 49, No. 1.

Anderson. Torben M. (2007), “Increasing longevity and Social Security Reforms: A legislative Procedure Approach”, *Journal of Public Economics* 92.

Estos, Carroll L. (2004), “Social Security Privatization and Older Women: A Feminist Political Economy Perspective”, *Journal of Aging*

Hong Jay H. & Jose -Victor Rios-Rull (2006), “Social Security, lifeInsurance and Annuities for Families”, *Journal of Monetary Economics* 54.

Williamson, John B. (2002), “Privatization of Social Security in the United Kingdom Warning or Exemplar?”, *Journal of Aging Studies* 16.